

## تناسب دفاع با حمله در دفاع مشروع در فقه امامیه و حقوق موضوعه

افشین انواری فاراب<sup>۱</sup>، محسن محمدی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

<sup>۲</sup> کارشناس حقوق و کارشناس علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

---

### چکیده

حالت دفاع موقعیت فردی است که برای حفظ مصلحت و منفعتی مهم و یا دفع مفسده ای عظیم، مرتکب رفتاری میشود که در شرایط عادی ممنوع می باشد. یکی از ارکان و بندهای مهم دفاع مشروع رعایت مراحل دفاع با توجه به حمله مهاجم می باشد که در فقه امامیه و حتی در سایر مذاهب اسلامی (مذاهب اربعه) به عنوان قاعده الاسهل فالاسهل و درحقوق از آن به عنوان تناسب یاد می شود. به طوری که عرف، جرم ارتكابی را بسیار شدید تر از ارزش مورد تهاجم نداند و طرفین (مدافع مهاجم) مسلح به سلاحی شبیه به یکدیگر باشند. تمامی فقهای امامیه و حتی مذاهب اربعه تعریفات یکسانی را از تناسب دفاع با حمله ارایه نموده اند و تنها برای روشن شدن موضوع مصداقها و مثالهای متفاوتی را بیان کرده اند.

**واژه‌های کلیدی:** تناسب، الاسهل، فالاسهل، دفاع، مشروعیت.

---

**۱- مقدمه**

یکی از موضوعاتی که از گذشته تا کنون کانون توجه فقیهان و حقوقدانان بوده است مسئله چگونگی دفاع با اقدامات و رفتارهای نادرست و غیر منطقی افراد و شخصیت‌های حقوقی در زندگی گروهی می باشد. به عبارتی دنیا میدانی برای کنش‌ها و واکنش‌هاست یعنی هر عمل و تجاوزی، عکس‌العمل و دفاعی را به دنبال دارد. هر آن احتمال دارد که از هر شخصی رفتار و اقدام ناصحیح سر بزند و از آنجا که انسان در برابر اقدامات نادرست و تجاوز دیگران عکس‌العمل نشان می دهد و دفاع می کند؛ این واکنش و دفاع در فقه و حقوق به دفاع مشروع شهرت دارد. تناسب دفاع مدافع با حمله مهاجم که در فقه امامیه وسایر مذاهب اسلامی از آن به عنوان قاعده الاسهل فالاسهل یاد می شود؛ از آسانترین مرحله ی دفاعی شروع شده و با توجه به میزان زیانبار بودن عمل مهاجم متغییری باشد و می توان گفت یکی از بندهای مهم تحقق یافتن دفاع مشروع از منظر فقه امامیه و قانونگذار بحث تناسب دفاع با حمله می باشد. به طوری که دفاع بدون آن مشروع نخواهد بود.

شارع مقدس به منظور دفاع از مال، جان، ناموس و عرض و جلوگیری از تجاوز و تعدیات دیگران دفاع مشروع را تجویز نموده است؛ اما برای استفاده و به کار بردن دفاع در برابر تجاوز افراد، لزوم رعایت همانندی و تناسب بر مبنای قانون و موارد ذکر شده در فقه قابل توجه است؛ یعنی تجویز هر عملی (دفاع مشروع) نباید بیش از قاعده و بیان قانونگذار باشد که به خروج و انحراف از قانونمختر شود؛ یعنی دفاعی مشروع است که با تجاوز و تعدی طرف مقابل (مهاجم)، حالت تناسب و یکسانی داشته باشد. به طوری که اگر دفاع را در یک سمت ترازو قرار دهیم نباید سنگین تر از آن طرف ترازو که تجاوز است باشد. بلکه یکسانی مورد توجه است. و منظور از تناسب دفاع، تساوی زیان وارده از جانب متعرض و مدافع است یا تناسبدر وسیله است و مدافع باید بر اساس قاعده تدرج، دفاع مشروع انجام دهد به طوری که عرف، عمل ارتكابی را بسیار شدیدتر از ارزش مورد تهاجم نداند و طرفین (مهاجم و مدافع) مسلح به سلاحی شبیه به یکدیگر باشند در رابطه با تناسب دفاع با حمله و ابعاد آن فقیهان و حقوقدانان در آثار و کتب خود به صورت پراکنده به بررسی آن پرداخته اند.

اما با توجه به اهمیت موضوع در عصر فعلی، به پژوهش منسجم و نظام مند درباره ی این قاعده در فقه و حقوق اسلامی نیاز داریم که با مطالعه این مسئله و بررسی ابعاد آن بتوانیم ماهیت فقهی و حقوقی آن را از دیدگاه دین اسلام مورد بررسی قرار دهیم و فلسفه تجویز آن را تبیین کنیم.

**۲- مذهب امامیه****۲-۱- دیدگاه فقیهان امامیه در خصوص تناسب دفاع با حمله (قاعده الاسهل فالاسهل)**

فقیهان امامیه مانند سایر فقیهان مذاهب اسلامی عقاید و نظرات خود را در کتب فقهی در خصوص دفاع مشروع عنوان نموده اند؛ و سومین شرط از دفاع مشروع را شرط تناسب دفاع و تجاوز (حمله) عنوان کرده اند. فقهای امامیه بحث تناسب در دفاع را از عنوان قاعده الاسهل فالاسهل گرفته اند؛ و معنای الاسهل که یکی از شرایط مشروعیت دادن به دفاع میباشد این است که دفاع در زمان حمله ی مهاجم به اندازه ضربه ی وارده و چگونگی ورود مهاجم صورت گرفته و مدافع طبق آن وارد عمل بشود و رعایت ترتیب و تدرج در شدت عمل را بکند.

به گونه ای که مدافع باید از آسانترین و راحتین شیوه ی ممکن شروع به دفاع بکند؛ و به صورت مرحله ای به سمت شدت عمل بیشتر برود. به طور مثال اگر مهاجمی که قصد آسیب رساندن دارد را بتوان با تنبیه کردن ساده (زدن سیلی) دور نمود و نیاز

به استفاده از سلاح سرد مثل چاقو و امثالهم نیست؛ که اگر این چنین شود دفاع، مشروع نخواهد بود نخستین فقیهی که در خصوص تناسب دفاع با حمله ی وارده توسط مهاجم اظهار نظر نمود شیخ طوسی بوده است.

ایشان پس از تشریح ارکان و اجزای دفاع مشروع، به بحث تناسب در دفاع توسط مدافع اشاره میکنند و میگویند: هر گاه مهاجم قصد هجوم به نفس، مال و حریم شخصی را کند؛ برای مدافع، دفع مهاجم به آسانترین شکل ممکن جایز است. پس اگر مدافع بتواند کسی را صدا بزند که به کمک او بیاید بایستی فریاد بکشد و دفاع با همان فریاد محقق میشود و اگر لازم است با دست از خود دفاع کند باید با دست دفاع کند و اگر متجاوز با دست دفع نشود با عصا و اگر عصا کار ساز نبود میتواند با سلاحی دیگر که قدرت دفع تجاوز را دارد برای دور کردن مهاجم استفاده بنماید (شیخ طوسی، المبسوط، ج ۸، ص ۷۷) پس از شیخ طوسی فقیهان دیگری همین قاعده را در کتب فقهی خود بحث نموده اند و به اختصار به توضیح آن پرداخته اند.

از جمله ی این فقها میتوان به محقق در شرایع الاسلام، ج ۴، ص ۹۶۷، علامه حلی در قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۵۷۱ شهید اول در الدروس، ج ۲، ص ۵۹، فخرالمحققین در ایضاح الفوائد، ج ۴، ص ۵۴۷، محقق اردبیلی در مجمع الفایده و البرهان، ج ۱۳، ص ۳۰۰ و فاضل هندی در کشف اللثام، ج ۲، ص ۴۳۴ اشاره نمود؛ اما فقهای معاصر نیز تناسب دفاع با حمله را در کتب فقهی خود درج نموده و به تعریف قاعده الاسهل فالاسهل در دفاع مشروع پرداخته اند. امام خمینی (ره) در این خصوص میگوید: برای مدافع واجب است در دفاع از آسانترین شیوه ی دفاعی آغاز کند؛ مثلاً اگر متجاوز با تبه و اخطار مانند سرفه کردن دست از تجاوز می کشد همین کار را بکند؛ اگر به این طریق دفع نمیشود و با صیحه بلند و تهدید می تواند او را دفع کند، به همان اکتفا کند؛ و اگر دفع نشود مگر با چوب به همان اکتفا کند و اگر نوبت به شمشیر رسید اگر با جراحت وارد ساختن دفع تجاوز میشود به همان اکتفا کند.

و اگر دفع تجاوز ممکن نیست مگر با کشتن، جایز است با وسیله ای کشنده او را به قتل برساند. البته رعایت مراحل دفاع در صورت وجود فرصت و زمان کافی و ترس نداشتن از غلبه مهاجم است و اگر مدافع به یقین برسد که با مراعات، ترتیب زمان از دست می رود و مهاجم بر او غالب میشود رعایت لازم نیست. بلکه با ترس از آن نیز وجوب ترتیب از بین میرود و جایز است به هر چیزی که موجب دفع دشمن به طور قطع است؛ توسل جوید. (امام خمینی (ره)، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۸۸، مسئله ششم) از بیانات امام خمینی نتایج ذیل حاصل میشود که عبارتند از: ۱- مدافع در هنگام دفاع باید از سلاحهای کم خطر در برابر مهاجم استفاده نماید و رعایت استفاده از وسایل، از آسان به شدید سفارش شده است. ۲- میزان جراحت وارده به مهاجم نیز مورد توجه است یعنی اگر خطر حمله توسط مهاجم با ایراد جراحت دفع میشود مدافع نباید مرتکب قتل متجاوز شود؛ که در این صورت دفاع مشروعیت نخواهد داشت. قتل نیز در صورتی جایز است که چاره ای جز قتل نباشد. ۳- رعایت ترتیب هنگامی لازم است که مدافع فرصت کافی داشته باشد و ترس از غلبه متجاوز نیز داشته باشد؛ اما زمانی که وقت کافی برای استفاده از وسایل سبک تر برای دفاع نیست و خوف غلبه و ضربه زدن مهاجم وجود دارد بلا شک استفاده از سلاحهای سنگین برای دور نمودن یا ضربه زدن اساسی به مهاجم ضروری می باشد. مرحوم علامه طباطبایی نیز به شکلی دیگر بحث تناسب در دفاع با حمله مهاجم بیان کرده و می گویند: «آن تعدی ای نکوهیده است که در برابر تعدی نباشد، ولی اگر در برابر تعدی دیگران باشد جز بیرون آمدن از ذلت و ارتقا از حسیض بردگی و ظلم چیزی نیست. مثل تکبر و فریاد خواهی مظلوم که نه تنها نکوهیده نیست؛ بلکه بسیار هم پسندیده است». (علامه طباطبایی، المیزان، ج دوم، ص ۶۳).

اما فقیهان امامیه رعایت مراحل دفاع را فقط برای مسلمانان جایز دانسته و کافر را در این مورد استثناء قرار داده اند. در این زمینه مرحوم کاشف الغطاء می گویند: «کافر با تجری بر مسلمان حرمتش را هتک و عصمتش را رفع و عهد و پیمانانش را باطل

کرده است». (کشف الغطاء، ج ۲، ص ۳۹۵) پس با توجه به بیان کاشف الغطاء، کافر متجاوز هیچ حرمتی ندارد و مدافع مسلمان نیازی به رعایت استفاده از سلاحهای سبکتر در برابر مهاجم کافر ندارد اما بایستی مسلمان در برابر هجوم مسلمانی دیگر و کافر در برابر هجوم کافری دیگر به رعایت مراتب دفاع پایبند باشند.

صاحب جواهر در ترتیب دفاع مدافع از آسان به سخت اشکال وارد کرده و معتقد است؛ ترتیبی که سایر فقیهان امامیه در قسمت دفاع بیان نموده اند با اطلاقات ادله دفاع سازگاری ندارد و در پایان فرموده است: «اگر پای اجماع و سیره در میان نبود ممکن بود بتوان در این ترتیب مناقشه کرد» (جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۶۵۱). برخی از فقهای امامیه نیز در این خصوص معتقدند: جمع میان ادله اقتضا می کند که اطلاقات را به دو صورت حمل کنیم.

۱- جایی که رعایت دفاع امکان ندارد و ممکن است بیان شود که بیشتر موارد چنین است؛ زیرا هنگام حمله مهاجم، مدافع فرصت پیدا نمی کند که تصمیم بگیرد و ترتیب دفاع را رعایت نماید. ۲- جایی که با رعایت مراحل ترتیب، غرض که دفع تجاوز است حاصل نمی شود. در این دو صورت، رعایت ترتیب لازم نیست و اخبار مطلق به این موارد حمل می شود و در بقیه موارد رعایت ترتیب لازم است. (سید عبدالاعلی سبزواری، مذهب الکلام فی بیان الحلال والحرام، ج ۲۸، ص ۱۶۱)

## ۲-۲. آیات و روایات در خصوص تناسب (قاعده الاسهل فالاسهل)

### ۲-۲-۱. آیات

این آیات از جهات مثبت و منفی در خصوص تناسب (قاعده الاسهل) بیان شده است.

الف- آیاتی که از جهت مثبت بیان شده و در خصوص نیکی کردن و پاسخ به نیکی کردن نازل شده است. خداوند متعال در این آیه میفرماید: «هل جزاء الاحسان الا الاحسان» آیا پاداش نیکی جز نیکی است. (الرحمن، آیه ۶۰) یا در آیه دیگر که در پاسخگویی به سلام و درود فرستادن می باشد میفرماید: «و اذ حیتم بتحیه محیوا باحسن منها او ردوها ان الله کان علی کل شیء حسیبا» چون به شما سلام و درود گفته شد؛ شما بهتر از آن درود گوید یا همان را بر گردانید؛ که خدا همواره بر هر چیزی حسابرس است. (نساء، آیه ۸۶)

ب- اما آیاتی که با جهات منفی در خصوص تناسب (قاعده الاسهل) نازل شده و تناسب دفع توسط مدافع را به آدمی اشاره و بیان می کند عبارت است از: «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم» هر کس بر شما تعدی کرد همانگونه که بر شما تعدی کرده بر او تعدی کنید. (بقره، آیه ۱۹۴) و در آیه ای دیگر نیز به مسئله تناسب اشاره می کند و می فرماید: «و ان عاقبتهم فاعقبوا بمثل ما عوقبتهم به ولئن صبرتم لهو خیر الصابین» و اگر عقوبت کردید همانگونه که مورد عقوبت قرار گرفته اید متجاوز را به عقوبت برسانید و اگر صبر کنید البته آن برای شکیبایان بهتر است. (بقره، آیه ۱۹۴) و همچنین در آیه ای دیگر آمده است «و جزا و اسیئه مثلها» و جزای بدی، مانند آن بدی است.

از آیات ذکر شده چنین برداشت می شود که در مقابل هجوم ناحق مهاجم برای هر مقصودی (مثل سرقت اموال و دارائی، هتک نوامیس و عرض و آبرو، و آسیب رساندن به نفس و جان) باید به تناسب با حمله ی شخص، مدافع نیز وارد عمل شده و دفاع نماید؛ مثلا اگر شخصی عادت به نگاه کردن به نوامیس دیگران به صورت پنهانی دارد و می توان آنرا با کوچکترین فریادی یا ضربه ای دور نمود؛ نباید اقدام به ضرب و جرح جدی و یا کشتن او نمود؛ که این بر خلاف آیات ذکر شده تلقی می شود و عدم تناسب دفاع با حمله نمی تواند مشروعیت دفاع را تأیید کند.

### ۲-۲-۲. روایات

برخی از روایاتی که با جهات مثبت به مبحث تناسب اشاره می کند عبارتست از: در این خصوص روایات متعددی نقل شده است. حضرت علی (ع) در این باره فرمودند: «حقی که نعمت دهنده انسان بر شخص دارد این است که به نیکویی جبران‌ش نماید. اگر قدرت بر جبران‌ش نداشت ستایش خوبی از او بنماید و اگر زبانش یارای این کار را نداشت بر اوست که معرفت و شناخت نعمت را داشته و نسبت به احسان کننده محبت داشته باشند؛ و اگر از این هم کوتاهی کند چنین شخصی لیاقت احسان و نعمت را ندارد.» (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۵۰) امام کاظم (ع) نیز در این باره فرمودند: «کار خیر همانند طوقی بر گردن است که جز با جبران و سپاس گسسته نشود» (همان، ج ۷۵، ص ۴۳) همچنین رسول اکرم (ص) فرمودند: «آن کس که به او احسانی شود و توان داشته باشد جبران کند؛ و اگر نداشته باشد ثنای او گوید که هر که ثنایش گوید گویا سپاس و شکر او بجا آورده و هر که کتمان کند کفران نموده است.» (متقی هندی، کنز العمال، حدیث ۱۶۵۶۷). امام رضا (ع) نیز در این خصوص فرمودند: «هر کس سپاس کسی را که به او احسان کرده بجا نیآورد سپاس خدا را بجا نیآورده است.» (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۴۴) و همچنین

این امام بزرگوار در خصوص احسان می گوید: «نفرین خدا بر کسی که راه احسان بر بندد و او کسی است که به او احسان شود و او در مقابل، کفران احسان وی کند و در نتیجه، شخصی که به وی احسان کرده از احسان به دیگران باز دارد» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۳۹)؛ اما در روایاتی که با جهات منفی به بحث تناسب (قاعده الاسهل) اشاره می کند و از بیانات امام اول شیعیان می باشد می توان چند مورد را یادآور شد که می فرماید: «من عامل بالیغی کوفی» آن کس که ستم کند همان جزا بیند. (آمدی، غررالحکم، ج ۸، ماده «مکافا»، ص ۴۱۶) و همچنین آمده است «هر کس حق کسی را ادا کند که حق او را ادا نمی کند، بردگی او را کرده است» (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۶۴).

در مسئله ای دیگر این امام بزرگوار فرمودند: «سنگ را از هر کجا آمد به همان جا برگردانید زیرا بدی، پاسخی جز بدی ندارد.» (همان، شماره ۳۱۴). پس در روایات نیز همچون آیات قرآن به صورت مستقیم و غیر مستقیم به بحث تناسب اشاره شده است. هر چند با موضوع مقاله حاضر تفاوتها و تمایزاتی داشته باشد. پس می بینیم که در تمامی مطالب فقهی و حقوقی مرتبط با دفاع مشروع فقیهان و حقوقدانان، مدافع را به مقابله ی یکسان و مساوی با حمله مهاجم دعوت می کنند.

## ۲-۳. صورتهای گوناگون تناسب (قاعده الاسهل)

۱- منظور از تناسب عکس العملی است که رفتار مدافع به مانند عمل طرف مقابل (مهاجم) شباهت داشته باشد؛ این شباهت در جنس عمل بوده و در صنف و نوع شباهتی ندارد. به عنوان نمونه می توان به این آیه شریفه اشاره نمود. «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم». (هر کس به شما تعدی کرد همانگونه که بر شما تعدی کرده بر او تعدی کنید). (بقره، آیه ۱۹۴). البته این آیه در خصوص تجاوزات جنگی نازل شده و امکان رعایت تناسب تا این حد نیست. پس اگر خداوند مقابله ی مدافع را بصورت تناسب بیان نموده است قطعاً تناسب نوعی و صنفی مطرح نبوده بلکه تناسب مثل همان تعدی خواهد بود؛ یعنی با دشمن همان رفتاری را داشته باشید که همانند تجاوز او تلخ و رنج آور باشد.

۲- صورت دیگر بحث تناسب در دفاع مشروع (قاعده الاسهل)، به صورت نوعی و صنفی است و انجام دادن کارهای مفید و لذت بخش در برابر کارهای نیکو و پسندیده می باشد. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: چون به شما درود گفته شود شما بهتر از آن درود بگویید یا همان را در پاسخ برگردانید. (نساء، آیه ۸۶)

۳\_ صورت سوم تناسب به دو شکل عنوان می شود: الف\_ دو طرف مقابل (مدافع و مهاجم) هم در جنس و همدر نوع و صنف شبیه یکدیگر می باشند. ب\_ دو طرف مقابله دو عمل رنج آور و دو رفتار تلخ باشد که انسانها از آن دوری می کنند و این امر می تواند جنبه باز دارندگی داشته باشد. در این خصوص در آیه ۱۲۶ سوره نحل آمده است. «و اگر عقوبت کردید؛ همانگونه که مورد عقوبت قرار گرفته اید متجاوز را به عقوبت برسانید.» و در آیه ۱۱۸ تا ۱۲۰ آل عمران نیز در این خصوص به مومنان تاکید و سفارش شده است و به آنها فرمان داده شده که از غیر خود دوست اختیار نکنید و به آنان دوستی محبت نکنید زیرا آنها دشمنان شما بوده و کینه ی شما را در دل دارند و از اینکه در خوشی و لذت باشید ناراحت و غمگین هستید؛ و از اینکه در رنج و عذاب باشید خوشحال می شوند.

به هر حال آیه صریحا بیان می دارد که شما (مومنان) نیز مقابله به مثل کنید و تناسب را رعایت کنید و اگر شما را دوست نگرفتند و دشمن شدند شما نیز با آنها ارتباط برقرار نکنید و با آنها دشمنی کنید.

۴\_ صورت چهارم به مانند صورت سوم بوده اما یک بند و یک قید آن به شکل ذیل می باشد. علاوه بر موارد یاد شده در مورد سوم قید اضافی آن به این شکل می باشد که اگر کاری از طرف شخصی علیه شخص دیگر انجام شود که حرمت شرعی داشته باشد و یک نوع نقض قوانین اتفاق بیفتد؛ خداوند متعال در آیاتی از قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «در راه خدا با کسانی بجنگید که با شما می جنگد.» (بقره، آیه ۱۹۰). «همانطور که شما را بیرون رانند آنان را بیرون برانید.» (بقره، آیه ۱۹۱). «همگی با مشرکان بجنگید، چنان که آنان همگی با شما می جنگیدند.» (برائت، آیه ۳۶). «جزای بدی، مانند آن بدی است.» (شورا، آیه ۴۰). با توجه به مطالب مارالذکر، تناسب دفاع با حمله از طرف خداوند متعال در آیات متعدد ذکر شده و مشروعیت دفاع نیز با رعایت این قاعده (بحث تناسب) تایید خواهد شد؛ اما در این زمینه آیاتی نیز وجود دارد که تاکید بر رعایت قاعده تناسب کرده و خروج از این قاعده را ممنوع و بر خلاف عدالت معرفی می کند؛ مثلا در سوره مائده آیه دوم آمده است: «اعمال زشت کسلسنی که شما را از مسجدالحرام بیرون کردند شما را بر آن ندارد که به عملی ناروا و بیش از حد متناسب دست بزنید»؛ و در مواردی علاوه بر اینکه مسلمانان را به دفاع در مقابل دشمنان دعوت می نماید؛ کسانی را که به هنگام دفاع از حدود عدالت الهی خارج می شوند متجاوز معرفی می کند (مانند سوره مومنون در آیه ۷). عملیات مقابله به مثل همانطور که از نامش پیداست؛

تلافی اقدامات یک شخص یا یک گروه از اشخاص یا گروههایی است که ضربه به اموال، جان، ناموس و حیثیت آنها زده اند. به طوری که اگر به جان یک فرد آسیب برسد جان شخصی، و اگر به مال هجوم آوردند به مال آنها و اگر قصدضربه زدن به نوامیس و آبرو و شرف باشد؛ همانند آنها به نوامیس و آبرو حمله می کنند؛ و به صورت تلافی جویانه اقدام خواهند کرد. نمونه های عملیات تلافی جویانه را می توان در آیات متعددی از قرآن کریم و همچنین در روایات گوناگونی مشاهده نمود. از جمله ی این آیات می توان به آیه: «و کتبنا علیهم ان النفس بالنفس و العین بالعين و الانف بالانف و الاذن بالاذن و السن بالسن و الجروح قصاص فمن تصدق به فهو كفارة له و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الظالمون» (مائده، آیه ۴۵) اشاره نمود. در تورات بر بنی اسرائیل حکم کردیم که جان در برابر جان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان است و جراحات قصاص می شوند. هر کس از حق قصاص خود در گذرد؛ کفاره گناهانش خواهد بود و آنکس که به آنچه خداوند نازل کرده حکم نکند ستمکار است. و در آیه ای دیگر آمده است: «یا ایها الذین امنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد و الانثی بالانثی فمن عفی له من اخیه شیء فاتباع بالمعروف و اداء الیه باحسان» (بقره، آیه ۱۷۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید در مورد قتل، حکم قصاص بر شما نوشته شده است: حر در برابر حر و عبد در برابر عبد وزن در برابر زن. هرگاه کسی مورد عفو و بخشش از سوی برابر خود قرار گرفت وی آن را به نیکی پاسخ گوید. از روی احسان، دبه را به او بپردازد. از آیات ذکر شده چنین برداشت می شود که مقابله به مثل بایستی هم ردیف جنایتی باشد که مرتکب آنرا انجام داده است و با توجه به اینکه این آیات برای برقراری حکومت عدل الهی به پیامبر (ص) نازل شده است و منظور از آن این است که قاضی و دادرس برای امر مهمی مثل قصاص حکم راصدر نماید. در حالی که در دفاع و در قسمت تناسب (قاعده الاسهل) مدافع بدون صلاحدید مراجع قضایی و به تشخیص خود دفاع را انجام خواهد داد. و سپس توسط قاضی تناسب دفاع محرز خواهد شد. روایات متعددی در خصوص عملیات مقابل به مثل نیز داریم که به اختصار به بیان آن می پردازیم. حضرت علی (ع) می فرماید «منعامل بالبعی کوفی» (آمدی، غرالحکم، ص ۴۱۶) «آنکس که ستم کند همان جزا ببیند». آن حضرت در جایی دیگری فرماید: «هر کس حق کسی را ادا کند که حق او را ادا نمی کند بردگی او را کرده است.» «نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۶۴) و همچنین در ادامه آمده است: «سنگ را از هر جا که آمده به همان جا بر گردانید، زیرا بدیباسخی جز بدی ندارد.» (همان، شماره ۳۱۴) البته این روایات را می توان در خصوص قاعده ی تناسب نیز بکار برد و استفاده نمود؛ اما نمونه هایی از عملیات تلافی جویانه در صدر اسلام عبارتند از جنگ بدر، جنگ موته، فتح مکه و حمله به بنی قینقاع، که به طور مختصر جنگ بدر و جنگ موته را در ارتباط با عملیات مقابله با مثل شرح میدهم.

پیامبر (ص) زمانی که از بازگشت کاروان تجاری قریش از شام با خبر شدند، دستور تعقیب را صادر کرده و به دنبال سپاه مسلمانان خود ایشان و تعدادی از یارانشان از مدینه خارج شدند و مال التجاره ای که ارزش پنجاه هزار دینار داشت و چهل نفر آن را را همراهی می کردند و بخش زیادی از سرمایه دشمن محسوب می شد را با محاصره کردن آنها اموال مشرکان را مصادره نموده و ضربه سختی به قدرت اقتصادی و نظامی قریش وارد نمودند. البته این حقیقت پیامبر (ص) و یارانش بود؛ زیرا زمانی که مسلمانان قصد هجرت از مکه به مدینه را داشتند بسیاری از اموال و دارائیشان به دست مکیان افتاد و خسارت سنگینی به آنها وارد شد و همچنین مردم مکه طی سیزده سال اقام پیامبر

(ص) و مسلمانان در مکه صدمات فراوانی را به آنها وارد کرده بودند؛ و حتی قصد کشتن پیامبر (ص) را داشتند، به روشنی تفاوت قاعده تناسب (الاسهل) را با عملیات تلافی جویانه مشخص می کند؛ زیرا در مقابل از دست رفتن مال مسلمانان، مال مشرکان هدف قرار گرفته است.

اما مقابله به مثلی که در جنگ موته شد به شرح ذیل می باشد. شرحبیل بن عمرو غسانی در منطقه موته راه را بر یکی از قاصدان پیامبر (ص) می بندد. قاصد پیامبر (ص) حارث بن عمیر ازدی نام داشت که حامل پیام رسول خدا به حاکم بصره بود شرحبیل دستور داد تا حارث را دستگیر کرده و گردن او را بزنند این امر باعث شد تا رسول خدا با سپاهی عازم موته شود در این سپاه سه هزار نفر از مسلمانان مدینه لشکر زدند تا به تلافی عمل شرحبیل عملیاتمقابله به مثل را انجام دهند.

با توجه به تعاریفی که از عملیات مقابله به مثل شد، باید گفت که مدافع در دفاع از تمام وابستگی هایی که دارد مثل دفاع از نفس، ناموس و اموال و دارائی الزامی نخواهد داشت که صبر کند تا ببیند متجاوز به کدام یک از وابستگی هایی که ذکر شد ضربه خواهد زد تا او نیز به همانگونه تلافی بکند، بلکه مقصود از تناسب دفاع این است که به اندازه ضربه وارده به مدافع، به متجاوز ضربه وارد شود.

مثلا ممکن است قصد مهاجم بردن مال و دارائی یک شخص باشد اما مدافع به بدن او برای دفع سرقت ضربه وارد آورد. یا اگر قصد متجاوز ضربه زدن به آبرو و شرف یک مسلمانی باشد، مثل تجاوز به ناموس، مدافع در این

خصوص می تواند او را بکشد و مشروعیت دفاع تایید شود. پس تناسب دفاع به معنای مقابله به مثل نیست و مقصود، استفاده از سلاحهای آسانتر و بعد سنگینتر برای دور نمودن و ضربه زدن به متجاوز است که مورد قبول تمام فقهای امامیه می باشد.

## ۲- حقوق موضوعه

### ۲-۱ دیدگاه حقوقدانان در خصوص تناسب دفاع با حمله (قاعده الاسهل فالاسهل)

همانطور که در قسمت فقهی این بخش گفته شد، دفاع در برابر حمله، باید به گونه ای باشد که حق متجاوز به طور کلی از میان نرود و صدمه ای فراتر از تجاوزش نبیند. قانونگذار دفع یکباره تجاوز را جایز نشمده و مدافع را الزام می کند که رعایت مراحل دفاع را بنماید؛ و این امر در صدر ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ با عنوان «رعایت مراحل دفاع» بیلن شده است.

قانونگذار شرایطی را برای مدافع در نظر گرفته که یکی از این شرطها رعایت مراحل دفاع می باشد؛ یعنی واکنش مدافع مرحله به مرحله و متناسب با شدت و ضعف تجاوز صورت گرفته باشد، پس می توان گفت؛ اگر مدافع بتواند در دفاع از خود یا دیگری، جرمی مرتکب نشود این رفتار پسندیده می باشد. فقط زمانی می تواند از سلاح سنگین تر استفاده کند که رفتار مهاجم نسبت به ضربه زدن به مدافع تغییر پیدا کند. محمد علی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۲۹۵) پس تناسب به این معنی است که بین صدمه احتمالی ناشی از تعرض و صدمه ای که برای پرهیز از آن ضروری است ارتباط منطقی وجود داشته باشد. برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند: پس شخص مورد تعرض و تجاوز نباید در مقام دفاع مرتکب عملی شود که شدیدتر از خطر ناشی از تهدید حمله کننده باشد. به طور مثال، اگر مهاجم شخصی را به ایراد ضرب ساده. کشیده و لگد) تهدید نماید، برای دفع چنین خطری نمی توان متوسل به استفاده از کارد و میله آهنی شد. (ایرج گلدوزیان، بایسته های حقوق جزای عمومی ۱، ۲، ۳، ص ۱۲۵) سایر حقوقدانان نیز مثل هوشنگ شامبیاتی، (حقوق جزای عمومی، جلد اول، ص ۳۵۱) حسین میر محمد صادقی، (حقوق جزای اختصاصی، ج ۱، ص ۳۵۳) نیز به مانند مطالب ذکر شده به تعریفات مشابه ای در خصوص تناسب دفاع با حمله (قاعده الاسهل) پرداخته اند که از توضیح مجدد آنها خودداری می کنیم.

قانونگذار تناسب دفاع با حمله را در بند اول ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی سابق مورد تاکید قرار داده و آن را یکی از ارکان مشروعیت دادن به دفاع دانسته است. همچنین بعد از این ماده که مصوب سال ۱۳۷۰ می باشد. در ماده ۱۵۶ ق م ا مصوب سال ۹۲ نیز قانونگذار عبارت (با رعایت مراحل دفاع) را بیان کرده و دفاعی را مشروع می داند که مدافع شرط تناسب را که برابری دفاع با حمله می باشد رعایت کند. در این خصوص باید گفت؛ احراز و اثبات رعایت مراحل دفاع توسط کسی که در مقام دفاع مرتکب جرم شده همیشه آسان نیست.

همچنین نمی توانیم انتظار داشته باشیم که مدافع در آن حالتی که متجاوز قصد ضربه زدن به او را دارد. دقیقاً با توجه به شرایط گفته شده عمل نماید که این مسئله مغایر با فلسفه دفاع مشروع و مخالف عدالت است. محمد علی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، ص ۲۹۵؛ اما برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند که شرط تناسب دفاع با حمله صحیح نبوده و مدافع نمی تواند در شرایط تجاوز مهاجم، آنرا اجرا نماید به این دلیل که اگر برای رفع خطر کمتر، ارتکاب عمل سنگین تر ضروری باشد و قانونگذار مدافع را از این دفاع منع نموده و آنرا نامشروع بخواند عمل او کاملاً خلاف عدالت خواهد بود؛ زیرا زمانی که مهاجم به سمت کسی حمله ور می شود مدافع از کجا باید بداند که شدت ضربه ی متجاوز چقدر خواهد بود؟ تا به همان اندازه برای دور نمودن یا ضربه زدن اقدام نماید. کسی که به شخصی با هر قصدی حمله می کند و مدافع را شروع به



زدن مشت و لگد می کند از کجا باید دانست که مهاجم تا چه اندازه به کار خود ادامه خواهد داد و آیا بعد از زدن با مشت و لگد از سلاح سردی مثل چاقو که در دست دارد استفاده خواهد کرد یا خیر؟ زیرا بسیاری از قتل‌هایی که اتفاق می افتد ابتدا با ضربات کوچک شروع شده و بعد بر اثر شرایط روانی حاکم بر مهاجم قتل اتفاق می افتد.

پس مهاجم با توجه به موقعیت و وضعیت پیش آمده و شرایط روانی حاکم بر مدافع حق دارد جهت دفاع از خود به هر وسیله ای که لازم باشد متوسل شود و رعایت مراحل دفاع را ننماید. پس شرط تناسب عملاً ممکن نخواهد بود؛ اما با توجه به عقیده این گروه از حقوقدانان که بحثی تأمل برانگیز را مطرح می نماید باید گفت، مخالفین شرط تناسب اشتباهی را که در این خصوص دارند این است که تناسب را به معنی تساوی و میزان بودن دفاع با حمله در نظر گرفته اند؛ در حالی که تساوی دفاع با حمله مطرح نیست. قانونگذار با توجه به اهمیتی که به جان انسانها در مواد قانونی مرتبط با دفاع مشروع چه در قانون گذشته و چه در قانون مجازات مصوب ۹۲ داشته، مدافع را ابتدا الزام می کند که از سلاحهای سبکتر برای دفاع استفاده کند تا اگر کارساز شد جان مهاجم از دست نرود و به خاطر یک درگیری ساده مدافع قاتل محسوب نشود و هیچ اشکالی بر این وارد نیست که دفاع مدافع بیشتر از خطر و تجاوز ایجاد شده بوده و در عین حال هم نامتناسب نباشد.

مثلاً اگر کسی با مشت به کسی حمله می کند و مدافع با اسلحه سرد از آن استقبال می کند آیا دفاع مشروع است یا خیر؟ در اینجا باید گفت به اوضاع و احوال تجاوز باید دقت شود؛ اگر حمله کننده پهلوانی قدرتمند باشد که با ضربه مشت خود می تواند گاوی را از پای درآورد در این صورت دفاع با اسلحه سرد اشکالی نخواهد داشت. اما اگر حمله کننده پیرمرد ضعیف و نحیفی باشد کافی است که تنها در برابر آن به اندازه ای که باید او را دور کرد اقدام نمود. (هوشنگ شامبیاتی، حقوق جزای عمومی، ج اول، ص ۳۵۲ و ۳۵۳) پس منظور از وجود تناسب میان دفاع و حمله این است که همواره دفاع باید هم سنگ و هم شأن حمله بوده و نمی تواند از آن شدیدتر باشد. ولی به کارگیری هر عملی که در دفع هجوم موثر واقع گردد؛ هرچند که از شدت بیشتری برخوردار باشد، نامتناسب نخواهد بود. (همان، ص ۳۵۴)

بنابراین در ادامه ی این مطلب باید گفت؛ تعبیر قانونگذار از آوردن رعایت مراحل دفاع در ماده ۱۵۶ ق م ا این است که مدافع باید دفاعی را در برابر متجاوز انجام دهد که هم جنس و برابر با رفتار متجاوز باشد. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، ص ۲۹۵) البته قانونگذار در بعضی از موارد به مدافع این اجازه را داده است که برای جلوگیری از تجاوز مهاجم تا ارتکاب قتل متجاوز پیش رود؛ مانند تعدیات مندرج در تبصره یک ماده واحده قانون تشدید مجازات سارقین مسلح و سرقت مسلحانه (مصوب ۹ تیر ۱۳۳۳) ماده ذکر شده در خصوص وارد شدن سارق برای سرقت به منزل و مسکن غیر بوده، منزلی که شاید شخص در آن توسط سارقین جان، مال و ناموس و آبرویشان مورد تعرض قرار بگیرد. در این مواقع قانونگذار اجازه دفاع را تا قتل مهاجم به صاحب ملک و منزل داده اما به شرطی که مدافع شرط تناسب را رعایت بنماید.

۲-۲. تفاوت قانون مجازات اسلامی سابق (مصوب ۱۳۷۰) با قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ در خصوص تناسب دفاع با حمله (قاعده الاسهل) در ارتباط با دفاع مشروط قانون جدید مجازات اسلامی تغییراتی در احکام دفاع مشروع داده، البته در اصل و پذیرش آثار آن تغییراتی ایجاد نکرده است. برای مثال اصل مقابله با مهاجم توسط مدافع در قانون جدید پذیرفته شده است. همچنین شرطی به نام ضرورت داشتن دفاع برای پذیرش دفاع مشروع نیز در هر قانون آمده است. یکی دیگر از شرایط مهم پذیرش دفاع مشروع وجود یک خطر در جریان یا قریب الوقوع بودن آن است که این مورد نیز در قانون جدید ذکر گردیده است. همچنین ضروری بودن دفاع به این معناست که راه دیگری جز انجام عمل دفاعی نداشته باشیم.

قانون قبلی در جهت اهمیت ضروری بودن عمل مدافع مقرر کرده است که توسل به هرگونه وسیله آسانتری برای نجات میسر نباشد. این عبارت در قانون جدید دیده نمی شود عبارت عدم امکان توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت نیز در قانون جدید ذکر گردیده است. دفاع از دیگری نیز در قانون جدید پذیرفته شده، اما خوشبختانه قید اضافه قانون قبلی یعنی پذیرش دفاع از مال دیگری به شرط استمداد صاحب مال یا این که وی مسؤل حفاظت از دیگری بوده باشد برداشته شده است؛ اما یکی از تغییرات اساسی قانون مجازات جدید نسبت به قانون قبلی، حذف شروط و قیود مربوط به متناسب بودن دفاع با حمله صورت گرفته است. در قانون مجازات مصوب سال ۱۳۷۰، در ماده ۶۱ آمده است، دفاع با تجاوز و خطر باید متناسب باشد و همچنین عمل ارتكابی بیش از حد لازم نباشد. به نظر می رسد این اقدام قانونگذار در خصوص حذف این بند در ماده ۱۵۶ ق م ا مصوب ۹۲ صحیح بوده است.

زیرا در بسیاری از دادگاهها با در نظر گرفتن شرط تناسب دفاع و حمله در این خصوص سختگیری بسیاری صورت می گرفت؛ ممکن بود مدافع به جای فرار یا تلفن به مأموران انتظامی به ضرب و جرح مهاجم دست بزند در این وضعیت برخی از قضات با عدم پذیرش اقدام دفاعی فرد، وی را محکوم به قصاص یا پرداخت دیه به نفع مهاجم می کردند. در حالی که یک عنصر بسیار مهم در این زمینه وضعیت روحی و روانی مدافع است. در اکثر پرونده های کیفری (مربوط به دفاع مشروع) دیده می شود که با توجه به اضطراب ناگهانی و نبود اراده لازم برای کنترل اقدامات خود، معمولاً مدافعان چنان دچار استرس روانی و پریشانی در حین مواجهه با متجاوز می شوند که رعایت مراحل دفاع را (تناسب) فراموش می کنند؛ بنابراین حذف این شرط عادلانه است. به این ترتیب ملاحظه می شود که قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ با حفظ اصل پذیرش دفاع مشروع، در شرایط دفاع دخیل و تصرف کرده است که به نوعی تمامی آنها مثبت است؛ و دفاع از خود یا دیگری در برابر حمله شخص به شرط رعایت تناسب بر اساس طبیعت انسان و عرف پذیرفته شده است. اثر این دفاع با شرط تناسب (قاعده الاسهل) این است که در تمامی موارد اقدامات مجرمانه مدافع مباح می گردد و عمل کسی که دفاع نموده مسئولیت کیفری به دنبال نخواهد داشت.

### ۳-۲- آراء قضایی در خصوص تناسب دفاع با حمله (قاعده الاسهل فالاسهل)

مورد اول: دیوان عالی کشور در یکی از آرای خود که در خصوص درگیری و نزاع دو نفر بوده و به کشته شدن یکی از طرفین می انجامد آورده است: نظر به محتویات پرونده و کیفیات منعکس در آن، در خصوص تجدید نظر خواهی پ. غ و کیل تسخیری م. ج نسبت به رأی مذکور، چون از سوی وی دلیلی که موجب نقض دادنامه باشد ارائه نگردیده و از حیث رعایت تشریفات دادرسی و مبانی استدلال هم ایراد مؤثری ملاحظه نمی شود. نظر به فرار متهم به مدت حدود دو سال و آموزش های دفاعی در این مدت و اقرار وی مبنی بر پرت کردن چاقو به سمت مقتول که نوعاً کشنده است و گواهی پزشکی قانونی که علت قتل را بریدگی رگ حیاتی (عناصرحیاتی) و عوارض ناشی از آن اعلام کرده، این که متهم می گوید چاقو را پرت کردم نمی دانم به کجایش خورد دفاع غیر موجه و برای فرار از مجازات است؛ زیرا اولاً ایراد ضرب از سوی مقتول به متهم مورد سؤال و تأمل است. اگر زخمی شده بود چرا فرار می کند و چرا به پزشکی قانونی مراجعه نمی نماید تا برای خود وسیله دفاعی مشروع قرار دهد. زدن شاهرگ گردن یک امر عمدی و هدف گیری است. نه پرتاب چاقو، پرتاب چاقو بدون هدف چرا باید به شاهرگ بخورد نه به جای دیگر مقتول، علی هذا دفاع مشروع نمی تواند باشد؛ و همچنین متهم راه فرار داشته و می توانسته به وسایل و ابزار الاسهل فالاسهل تمسک نماید و فرار را انتخاب کند و از دست مقتول رهایی یابد. علی هذا ایرادی بر رأی معترض عنه وارد نمی شود. به استناد بند الف ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری رأی تجدید نظر خواسته تأیید می گردد.

(رأی شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۴۰۰۰۵۳، مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۴، شعبه بیست و چهارم دیوان عالی کشور)

مورد دوم: دیوان عالی کشور در رأی دیگری نیز اشعار می‌دارد اگر کسی که مورد حمله واقع شده است اسلحه یا آلت ضربه را از حمله کننده بگیرد و با همان اسلحه او را بکشد این عمل دفاع قانونی محسوب نمی‌شود چون پس از گرفتن اسلحه از طرف مقابل خطر مرتفع می‌شود در ادامه این رأی می‌خوانیم دفاع در صورتی متناسب با حمله است که طرفین مسلح به سلاحی شبیه یکدیگر یا در حکم شبیه یکدیگر باشند رأی شماره ۱۵۸۸/۱۲، مورخ ۱۳۲۸/۷/۲ شعبه دوم دیوان عالی کشور). همچنین در رأی دیگری، دادگاه کیفری، دفاع با چاقو را در مقابل حمله با سنگ، آجر یا کلوخ متناسب ندانسته است. (رأی شماره ۳۰۴، مورخ ۱۳۷۱/۶/۲۶). آرای دیگری نیز با همین موضوع (تناسب دفاع با حمله) توسط محاکم کیفری صادر شده مثل (رأی وحدت رویه شماره ۷۴۲ به مورخ ۹۴/۵/۶) که از بیان آن خودداری میکنیم.

### نتیجه گیری:

تناسب دفاع با حمله در دفاع مشروع که در فقه آنرا با نام قاعده الاسهل فالاسهل می‌شناسیم؛ قبل از آنکه از نظر قرآن کریم و دین و روایات قابل اثبات باشد. از نظر عقلی پذیرفته شده است؛ یعنی عقل حکم می‌کند دفاع چنان صورت بگیرد که مهاجم بیش از اقداماتش تنبیه و مجازات نشود. این مسئله در بین تمام فقیهان امامیه و مذاهب اربعه پذیرفته شده و برای اثبات این امر (پذیرش عقلی) به آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام اشاره می‌کنند. قاعده الاسهل در میان فقهای گذشته (شیخ طوسی، شهید اول) بصورت مختصر توضیح داده شد، اما فقهای معاصر چون امام خمینی (ره) تناسب دفاع با حمله را با توجه به پیامدهای اجتماعی جدید و شرایط جامعه نوین مطرح نموده که این امر در وضع قوانین جزایی توسط قانونگذار (بخش دفاع مشروع) استفاده و به کار گرفته شده است.

همچنین حقوقدانان کشورمان با استفاده از بیانات و نظرات فقیهان امامیه در خصوص قاعده الاسهل به تحریر این موضوع در کتب جزایی خود پرداخته و در بسیاری از موارد از لحاظ محتوا و شیوه بیان کاملاً شبیه به یکدیگر می‌باشد و شاید تنها تفاوت آن در بیان مثالها بین فقیهان و حقوقدانان بوده باشد؛ اما تشخیص تناسب دفاع با حمله در محاکم قضایی بسیار مشکل بوده و قضاوت رسیدگی کننده با بکارگیری شیوه های دادرسی و جمع آوری ادله کافی اقدام به صدور رأی در این زمینه می‌کنند. تا جایی که اکثر پرونده های کیفری با موضوع اثبات دفاع مشروع تا عالیترین مراجع قضایی (دیوان عالی کشور) پیش می‌رود. در پایان نتیجه گیری باید گفت قاعده الاسهل با عملیات تلافی جویانه (مقابله به مثل) یکسان نبوده و ممکن است برای دفاع کردن از مال، جان مهاجم از دست برود.

در حالیکه در بحث مقابله به مثل جان در برابر جان و مال در برابر مال خواهد بود. همچنین قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ تنها با ذکر «رعایت مراحل دفاع» در ماده ۱۵۶ ق م ا تناسب دفاع با حمله را عنوان نموده، در حالی که در ماده ۶۱ ق م ا مصوب ۱۳۷۰ بندی با عنوان تناسب دفاع با حمله بیان شده است. البته این به معنای کم توجهی قانونگذار به تناسب دفاع با حمله نبوده بلکه با آوردن «رعایت مراحل دفاع» و همچنین تشخیص قاضی پرونده مبنی بر اینکه دفاع با حمله متناسب بوده را کافی برای اثبات این موضوع دانسته است.

## منابع

۱\_ قرآن کریم ترجمه مهدی فولادوند

نهج البلاغه

۱\_ آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۳۶۴ ش)، غرر الحکم و درر الکلم، جلد هشتم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ

اول

۲\_ اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۸)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، نشر میزان، چاپ بیست و دوم

۳\_ حر عاملی، محمدبن حسن بن علی (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعه الی التحصیل مسائل الشریعه، جلد یازدهم، مؤسسه

آل بیت، چاپ اول

۴\_ خمینی، روح الله (بی تا)، التحریر الوسیله، جلد اول، انتشارات دارالعلم، چاپ اول

۵\_ شامیاتی هوشنگ (۱۳۸۰)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، انتشارات ژوبین، چاپ ششم

۶\_ شیخ طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۳۸۷ ق)، المبسوط فی فقه الامیه، جلد هشتم، المکتبه المرتضویه، چاپ سوم

۷\_ علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۸ ق)، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال والحرام، جلد سوم، مؤسسه

النشر الاسلامی، چاپ اول

۸\_ علامه طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد دوم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین

چاپ پنجم

۹\_ علامه مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۵ ق)، بحار الانوار، جلد شصت و هشتم و هفتاد و یکم، دارالفکر، چاپ اول

۱۰\_ فاضل هندی، محمدابن حسن بن محمد اصفهانی (۱۴۱۶ ق)، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، جلد دوم،

مؤسسه النشر الاسلامی تابع جامع مدرسین، چاپ اول

۱۱\_ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۹۲

۱۲\_ کاشف الغطاء، الشیخ جعفر بن خضر بن المالکی النجفی، (بی تا)، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء، جلد

دوم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول

۱۳\_ گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۰)، بایسته های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳)، انتشارات میزان، چاپ بیست و یکم

۱۴\_ مکی عاملی، محمدبن جمال الدین (شهید اول) (۱۴۱۴ ق)، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، جلد دوم، مؤسسه

النشر الاسلامی، چاپ دوم

۱۵\_ میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۲)، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)، جلد اول، تهران، انتشارات

میزان، چاپ یازدهم

۱۶\_ نجفی، محمدحسن (۱۳۶۸ ه ش)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد چهل و یکم، دارالکتب الاسلامیه،

چاپ نهم

17\_ www. hawzah. net

18\_ www. hogoug. com